قدس
رواق
ویژه فرهنگ و معارف رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۲۶۸ |

موعظه/ آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی
تفکری که موجب تقویت ایمان نشود ارزش ندارد ۲

خاطرات شنیدنی مهدی خسروی؛ خادم‌الرضا علیه‌السلام و از مبارزان انقلابی شهر مشهد
مبارزان نستوه مشهدالرضا علیه‌السلام ۴

حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی مطرح کرد
۳۰ آیه قرآن در شأن و منطبق با حضرت حمزه است ۲

حجت‌الاسلام دکتر علیرضا پیروزمند بیان کرد
تأملی در خاستگاه قرآنی انقلاب اسلامی ۳

دکتر حمیدرضا مطهری از تلاش‌های امام دهم در گسترش سازمان تشیع می‌گوید

ای مسیحای سامرا، هادی علیه‌السلام

۲

مهدی جهانگیری - عکس رضوی

در آستانه چهل و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی انجام شد

غبارروبی گلزار شهدا در بهشت ثامن الائمه علیه‌السلام

در آستانه چهل و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی جمعی از خادمان و خادمیاران حرم مطهر رضوی در مراسم «میهمانی لاله‌ها» مزار شهدای مدفون در بارگاه مطهر رضوی را غبارروبی کردند.در این مراسم جمعی از خادمان و دربانان ضمن مدیحه‌سرایی و ذکر مقام شهیدان مزار شهیدان مدفون در بهشت ثامن‌الائمه(ع) صحن آزادی را با گل و گلاب آراستند.حسین محمدی اصفهانی یکی از دربانان کشیک ...

۴

حرم مطهر در انقلاب اسلامی - قسمت چهارم

تحصن بزرگ در صحن «موزه»

محمدحسین نیکبخت | مقاومت دولت بختیار در برابر بازگشت امام خمینی و بستن فرودگاه‌ها در پنجم بهمن سال ۱۳۵۷، نه تنها از موج اعتراض‌ها کم نکرد، بلکه موجب افزایش خشم مردم نسبت به رژیم شاه شد. این امر در مشهد نیز باعث راهپیمایی‌های گسترده و تحصن‌هایی شد که بیشتر آن‌ها ارتباط مستقیمی با تحصن بزرگ علما در صحن موزه داشتند.

■ مقدمات تحصن بزرگ

صحن موزه، جایی که امروزه آن را با نام رواق امام خمینی(ره) می‌شناسیم در دهه ۱۳۱۰ ساخته شد و در حافظه تاریخی آن، اتفاق‌های فراوانی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تجمع نیروهای نظامی رضاشاه در آن پیش از هجوم به متحصنان مسجد گوهرشاد در شب ۲۱ تیر ۱۳۱۴ است. روز هفتم بهمن سال ۱۳۵۷، همزمان با سالروز رحلت رسول خدا(ص) و شهادت امام مجتبی(ع) هزاران نفر از زائران و مجاوران مطابق سنت سالیان قبل در قالب دسته‌های عزاداری خودشان را به حرم رضوی رسانده بودند، اما این بار فضا و شور انقلابی، وضعیت حضور مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. دسته‌های عزاداران به همراه زائران و مجاوران حرم رضوی در صحن موزه اجتماع کردند. این اجتماع شاید نخستین اجتماع گسترده، در چنین حجم و ابعادی بود که در صحن موزه برگزار می‌شد. سخنران این تجمع بزرگ، شهید هاشمی‌نژاد بود. شاهدان عینی نقل کرده‌اند در این تجمع، صحن موزه از جمعیت آکنده شد و شعاع حضور مردم به خیابان تهران (امام رضا(ع) فعلی) هم امتداد یافت. دو روز پس از این تجمع باشکوه، در نهم بهمن ماه، حضور مردم و اعلام انزجار از رژیم شاه دوباره در صحن موزه تکرار شد. این بار هم سخنران مراسم شهید هاشمی‌نژاد بود.

■ تصمیم تاریخی علمای مشهد

ماموران رژیم روز ۱۰ بهمن سال ۱۳۵۷ به بیت آیت‌الله العظمی شیرازی در بالاخیابان هجوم بردند و ناغافل حاضران در بیت را به گلوله بستند. در این هجوم تعدادی از مردم مشهد به شهادت رسیدند. اقدام مأموران فرمانداری نظامی، علمای مشهد را به واکنشی سخت واداشت؛ آن‌ها در اعتراض به قتل‌عام مردم و جلوگیری دولت بختیار از بازگشت امام خمینی، ساعاتی پس از هجوم به بیت آیت‌الله شیرازی، راهی حرم مطهر شده و در صحن موزه، جایی که طی چند روز گذشته، نقطه ثقل فعالیت‌های انقلابی در مشهد بود، تحصن کرده و خواستار بازگشت امام خمینی (ره) به میهن و محاکمه عوامل جنایت‌های چند روز گذشته شدند. تحصن بزرگ علما با استقبال گسترده طلاب مدارس علوم دینی و اقشار مختلف مردم روبه‌رو شد و در پی آن، هزاران نفر از زائران و مجاوران نیز در صحن موزه گرد آمدند. یک روز بعد، در ۱۱ بهمن سال ۱۳۵۷ و در حالی که خبر بازگشت قریب‌الوقوع امام خمینی به ایران توسط شهید هاشمی‌نژاد به متحصنان حاضر در صحن موزه داده شد، راهپیمایی بزرگ دانشگاهیان مشهد از مسیر خیابان‌های جنت، ارگ، امام رضا(ع) و خسروی نو به سمت حرم مطهر و صحن موزه آغاز شد. طی مسیر حرکت راهپیمایان، جمع زیادی از اصناف و بازاریان مشهد نیز به این راهپیمایی پیوستند، به طوری که با رسیدن آن‌ها به نزدیکی حرم مطهر، فلکه حضرتی و خیابان‌های منتهی به ورودی صحن موزه از جمعیت موج می‌زد. همزمان بیانیه جامعه پزشکی و همچنین بیانیه جامعه اساتید دانشگاه درباره ضرورت بازگشت امام خمینی به میهن قرائت شد و با استقبال گسترده متحصنان و حاضران در صحن موزه و اطراف آن روبه‌رو گردید. یکی از نکات بارز تحصن بزرگ صحن موزه، سخنرانی‌های مداوم و منظم روحانیان و علمای مبارزی همچون شهید هاشمی‌نژاد و مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی بود، سخنرانی‌هایی که به غیر از محتوای انقلابی و بیان خواست قاطبه مردم برای بازگشت امام، بحث‌های عقیدتی و مربوط به مبانی حکومت اسلامی هم در آن‌ها مطرح می‌شد و از این منظر، نقش مهمی در تنویر افکار عمومی داشت. تحصن بزرگ با بازگشت امام خمینی(ره) به میهن خاتمه یافت.

گزیده

یکی از نکات بارز تحصن بزرگ صحن موزه، سخنرانی‌های مداوم و منظم روحانیان و علمای مبارزی همچون شهید هاشمی‌نژاد و مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی بود، سخنرانی‌هایی که به غیر از محتوای انقلابی، بحث‌های عقیدتی و مربوط به مبانی حکومت اسلامی هم در آن‌ها مطرح می‌شد.

منبر مجازی

ناودان‌های رحمت

حجت‌الاسلام فرحزاد | یکی از چیزهایی که در مکتب ما واقعاً احیا شده و پیامبر(ص) و حضرت زهرا(س) و امامان معصوم(ع) خیلی سفارش و تأکید دارن احترام گذاشتن به خانم‌ها مطلقا و بالاخص نسبت به مادر و همسر و دختر و خواهر و محارم است... هیچ مکتبی حق زن رو مثل پیامبر و اهل بیت پیامبر احیا نکرده.

روایت داریم در سفر حج پیامبر خانم‌ها و همسرهای خودشان یا خانم‌های اصحاب و یارانشان را هم برده بودن. در سفرهایی که معمولاً با شتر می‌رفتن، حُدی خواندن رسم بود... آدم‌های خوش‌صدایی بودن که با حُدی خواندن و آواز خوش سبب می‌شدن شتر سریع‌تر راه بره... به غلامی که خوش‌صدا بود گفتن: حدی بخوان... او شروع کرد به حدی خواندن و شترها تندتر می‌رفتن اما بعد پیامبر خدا متوجه شدن خانم‌ها از حرکت سریع شترها اذیت می‌شن... به اون غلام فرمودن: مقداری ملاحظه خانم‌ها را بکن و حدی را که می‌خوانی کمی آرام‌تر بخوان... که خانم‌ها اذیت نشن... پیامبر ریزترین مسائل را رعایت می‌کردن... هیچ مکتبی مثل مکتب ما این قدر سفارش احترام و ارج نهادن به بانوان رو نکرده... آن هم پیامبر و مکتبی که در محیطی شکل گرفته که بالاترین جسارت‌ها، اهانت‌ها و حقارت‌ها رو به بانوان روا می‌داشتن... .

خانم‌های عوام گاهی حرف خوبی می‌زنن که میگن: خدا به ما دختر مرحمت کنه تا پای جنازه‌مون گریه کنه و رحمت خداوند جلب بشه. این فقط سخن عوام نیست بلکه روایت هم داریم که خدای متعال به حضرت ابراهیم دو تا پسر به نام‌های حضرت اسماعیل و حضرت اسحاق داد که هر دو پیامبر شدن. به خدای متعال عرض کرد خدایا من دوست دارم به من دختر مرحمت کنی تا پای جنازه‌ام گریه کنه. گریه و رحمت دختر رحمت خداوند رو جلب می‌کنه... حالا به استثنای میان پسرها و دخترها کار نداریم ولی جنس دختر عاطفه و احساس و رحمتش فوق‌العاده است. در تشییع جنازه یکی از دوستان که اولاد زیادی داشت دختری از دخترهای ایشون موقع دفن پدرش جوری اشک می‌ریخت که دیگران هم گریه می‌کردن. می‌گفت: ای خدا یک وقت بابامو عذاب نکنی... پیامبر فرمودن: دختر رحمت است و اگر خدا به خانواده‌ای یک دختر مرحمت کرد یک ناودون رحمت به آن خانه باز شده و اگر دو تا مرحمت کرد دو تا ناودون رحمت و اگر سه تا مرحمت کرد سه تا ناودون... فرد شوخی که پای منبر بود، گفت: یا رسول‌الله خانه ما را که دارد آب می‌برد...!

در حرم

یک زیارت با امتیاز ویژه

ماه رجب فرا رسید و دل‌های منتظر و مشتاق مناجات با خدا آماده استفاده از بهار مناجات و دعا و زیارت شده‌اند و یکی از اعمالی که در این ماه ثواب ویژه‌ای دارد زیارت حرم امام رضا(ع) است.

«مهر» نوشته است: مرحوم محدث قمی در کتاب شریف مفاتیح‌الجنان در خصوص زیارت امام علی بن موسی الرضا(ع) در ماه رجب گفته است: «آگاه باش زیارت حضرت امام رضا (ع) در ماه رجب مستحب است و انجام آن در این ماه امتیاز ویژه‌ای دارد، همان گونه که انجام عمره در ماه رجب فضیلت دارد تا جایی که روایت شده انجام آن در این ماه، در فضیلت همتای حج است؛ و نیز روایت شده که حضرت سجاد(ع) در ماه رجب به عمره مشرف شده بود و شب و روز نزد کعبه نماز می‌خواند و در حالی که پیوسته در سجده بود این ذکر از زبان ایشان شنیده می‌شد:

عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِکَ فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِکَ.

گناه از بنده‌ات بزرگ شده، پس [بگذر که] گذشت از سوی تو زیبا باشد».

نیمکت زندگی

رفیق، شفیقش خوش است

رقیه توسلی | صدایشان بلند است. خیلی بلند. وسط شلوغی داروخانه همدیگر را دیده‌اند و بعد چاق سلامتی حالا مثل من و چند نفر دیگر، بیرون منتظرند نوبتشان شود.

سی و خرده‌ای ساله‌اند و پر از ایده و آرزو و برنامه برای آینده.

کت خاکستری: چه خبر هومن‌خان، میدون باری دیگه، ها؟ هنوز دفتر دستک حجره خلیل‌زاده بزرگُ پُر می‌کنی و پول پارو می‌کنین با هم؟

پلیور زیتونی: بودم مهندس. دیگه نیستم. کار من نبود. باباهه شاکیه اما چیکارش میشه کرد. دو ساله طرح مشارکت زدیم، ببینیم خدا چی می‌خواد.

کت خاکستری: چی میگی میرزا! یعنی کندی رفتی. خب الان کجایی؟

پلیور زیتونی: با بچه‌ها پی دو تا کارگاهُ گرفتیم. یکیش آموزش سفال و فرشه، خیلی به هم ربط ندارن میدونم... اما اون یکی‌ام کارگاه شیرینی سنتی استانه. حیفه آموزش داده نشه. فراموش میشن.

کت خاکستری: باشه عزیزم، بسه دیگه حالم بد شد. از ور دل باباهه رفتی، عیبی نداره. این همه حرفه. این همه بیزنس شریف مرتبط!! مشنگ شدی هومن؟ کارگاه آموزش؟ آب و نون توشه؟ شرط می‌بندم عاشق شدی. آخه تو رو چه به فرش و سفال و شیرینی. مهندس مملکت نیستی مگه؟ مکانیک و عمران نخوندی؟ چیه! طرف، تاریخ خونده؟ باستان‌شناسه؟

پلیور زیتونی: بیا از من بگذر. خودت کجایی سرور؟

کت خاکستری: نه اتفاقاً. نگذریم. از این مادمازل تاریخ خونده اجازه بگیر بیا برو تو تیم دکتر فخار. معرفیت می‌کنم. می‌شناسیش که برا بچه‌های اونور، پدریه. اینورُ نگم دیگه. کلی معرف و دوست و اعتبار و آشنا دورش جمع‌ان. خداییش یه روزم سراغتُ می‌گرفت. می‌پرسید رفته، نرفته؟

پلیور زیتونی: خدا نگهش داره. سرمایه است این بشر. ولی جدا از شوخی روت حساب کنم امیرجان؟ بالاخره کارچاق‌کن محشری هستی. بیا یه ور پروژه ما رو تو بلند کن پسر... .

کت خاکستری: مسخره! همین خودتُ نابود کردی بسه. حالا ببین کی بهم زنگ بزنی بگی عجب خردمند بودی امیر. مادمازل رفت پی زندگیش، دیدم اهل فرش‌بافی نیستم این شد که سهممُ دادم به شرکا. می‌خوام برم کردستان شایدم همون جا اتراق کردم. اصلاً چه اشکالی داره یه مدت کوه‌نشین باشم!

پلیور زیتونی متصل می‌خندد... .

اذان ظهر پخش می‌شود، بقیه داروهایشان را گرفته‌اند و رفته‌اند و هنوز نوبت نسخه من و این دو رفیق کهنه نشده. رفقایی که هنوز غرق گفت‌وگویند و یکیشان دارد جاهلانه می‌زند توی پَر آن یکی و آن یکی هی ملاطفت و صبر می‌ریزد پای دوستیشان.

سنجاق

برق چشم‌هایش، احترام بگذارید حتی اگر از نظر شما جذاب نباشد. قرار نیست همه ما مثل هم فکر کنیم یا مثل هم دوست داشته باشیم... لطفاً «ذوق‌کور کُن» نباشیم در روزگاری که آدم‌ها کمتر ذوقِ عمیق می‌کنند.

پی‌نوشت

مولا علی(ع) می‌فرمایند: باشرافت‌ترین جوانمردی، خوب دوستی کردن است.

نیم نگاه

آسیب‌شناسی اشتراک‌گذاری احادیث در فضای مجازی

در عصر کنونی که فناوری و فضای مجازی به صورت فراگیر در ابعاد مختلف زندگی بشر رسوخ کرده، بهره‌گیری از حدیث نیز دوره تحول را تجربه می‌کند. حجت‌الاسلام محمدجواد حسنی، کارشناس مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی در گفت‌وگو با ایکنا پس از پرداختن به خدمات متقابل حدیث و فضای مجازی به یکدیگر، به آسیب‌های به‌اشتراک‌گذاری احادیث در این فضا پرداخته که گزیده‌ای از آن را از نظر می‌گذرانید. چالش‌ها و آسیب‌هایی که از فضای مجازی به احادیث وارد شده، به چند بخش قابل تقسیم است: نخست، تقطیع احادیث. یکی از اشکالات اساسی نشر حدیث در فضای مجازی، گزینش و تقطیع نادرست است. هدف عمده از تقطیع و گزینش در فضای مجازی، القای نظر و تدلیس معناست. آسیب دیگر، نشر احادیث ضعیف است: حضور افراد غیرمتخصص یا مغرض در عرصه دیجیتال سبب شده بسیاری از متون ضعیف با سرعت بسیار در دسترس همگان قرار گیرد. گاهی حتی مطالبی که سخن معصوم نیست، بدون سند و منبع به آسانی تبادل می‌شود و مخاطبان نیز به‌سادگی اعتماد می‌کنند. گاهی برخی تولیدکنندگان محتوا برای مطالب خود، مستندتاتی گم‌ارزش یا جعلی درج می‌کنند و معمولاکسی اعتراض نمی‌کند.

سوق دادن مخاطبان به خرافات از دیگر آسیب‌های فضای مجازی است؛ در گذشته ارواه عجیب و غریبی در برخی از ترجمه و شرح نادرست از یک روایت نه تنها جایگاه بلند حدیث را از نظر محتوا تنزل می‌دهد، بلکه سبب ایجاد شبهاتی در ذهن مخاطب می‌شود.

تولید و نشر احادیث ساختگی و اسرائیلیات هم از آسیب‌های دیگر در عرصه نشر حدیث در فضای مجازی است؛ نشر اسرائیلیات و خرافات موجب ایجاد اعتقاد نادرست، انحراف و شبهه می‌شود.

آسیب دیگر، بحران استناد است؛ در صفحات مجازی روایات بدون سند و منبع به آسانی تبادل می‌شود و مخاطبان نیز به‌سادگی اعتماد می‌کنند. گاهی برخی تولیدکنندگان محتوا برای مطالب خود، مستنداتی گم‌ارزش یا جعلی درج می‌کنند و معمولاکسی اعتراض نمی‌کند.

سوء داد‌ن مخاطبان به خرافات از دیگر آسیب‌های فضای مجازی است؛ در گذشته ارواه عجیب و غریبی در برخی از کتاب‌ها یا نسخه‌های معدود وجود داشت که مدیریت آن‌ها چندان سخت نبود، اما امروزه سایت‌ها و کانال‌های متعددی با ترویج این مطالب، سعی در جذب مخاطب دارند.

انتشار بدون تبیین احادیث هم آسیب دیگری است؛ فهم روایات اهل‌بیت(ع) نیاز به تخصص دارد. امروزه در فضای مجازی تک‌روایت‌ها بدون توجه به معنای دقیق آن منتشر می‌شود و گاهی مخاطبان از آن استفاده می‌کنند و نتیجه‌ای نمی‌گیرند یا اثر معکوسی را می‌بینند و همین امر موجب بدبینی آن‌ها به گزاره‌های دینی می‌شود.

آسیب بعدی سایه‌پروازی از حدیث برای هم‌چیزاست؛ برخی اصرار دارند برای همه کارها و موضوعات کلی و جزئی شاهدی از روایات را دست و پا کنند. حتی در دوره‌ای تلاش کردند با استفاده از حدیث، تولید نسل را کاهش دهند. این شیوه در میان مدت سبب بی‌اعتمادی مردم به احادیث اهل‌بیت(ع) خواهد شد و تصور می‌شود منابع روایی کشکولی به هدف است که هر وقت هر آنچه لازم بود، می‌توان از آن استخراج کرد. از دیگر آسیب‌ها، نشر احادیث معارض و تقیه‌ای است؛ نگاه غیرمتخصصانه و غیرجامع به احادیث سبب می‌شود احادیثی بدون توجه به فضای تقیه آن روز یا امروز و روایات معارض منتشر شود. همچنین بی‌توجهی به ویژگی‌های واسطه مخاطب هم از آسیب‌های دیگر فضای مجازی برای نشر حدیث است.

موعظه

آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی

تفکری که موجب تقویت ایمان نشود ارزش ندارد

در بین ابعاد وجودی انسان، آنچه کارکردش قوی‌تر است و بُرد بیشتری دارد، بُعد قلبی است. آیه شریفه «لا تخزنی یوم یبعثون، یوم لا ینفع مال و لا بنون، الا من اتی الله بقلب سلیم» ناظر به همین موضوع است. توجه شود که قلب غیر از عقل بوده و عملکرد عقل غیر از کارکرد قلب است. عقل نظری کارش تفکر و ادراک کلیات است؛ مثلاً فرض کنید از معلول، پی به علت می‌برد، از دود، پی به وجود آتش می‌برد، دود را که می‌بیند، فکر می‌کند و عقل به او می‌گوید: باید آتشی وجود داشته باشد. این ادراک ربطی به قلب و دل ندارد. دستگاه ما با عظمت خلقت مثل همان دود است و این عقل است که می‌گوید: این معلول، علتی دارد که این بساط را برپا کرده است. اما قلب کار دیگری دارد. قلب، مخزن محبت است و روح انسان را پیوند می‌زند به آنچه مورد محبت است. در حالی که در کارکرد عقل، هیچ پیوندی ایجاد نمی‌شود. در آنجا که دود را می‌بیند و پی به آتش می‌برد، روح نه پیوندی با دود پیدا می‌کند و نه با آتش. پس کار این دو با هم تفاوت دارد: کار عقل در امور اعتقادی وقتی قداست پیدا می‌کند که روی قلب اثر بگذارد، اگر اثری بر قلب نداشت، هیچ قداستی ندارد. در باب تفکر قبلاً بحث مستقلی داشتم. تفکر در امور اعتقادی که در کنارش دلبستگی نباشد و موجب تقویت بُعد ایمانی نشود ارزش ندارد. تفکری مفید و بارزش است که روی دل اثر بگذارد، این، تفکر قداست دارد؛ زیرا روی قلب وظیفه دارد.

البته این محبت لفظی نیست؛ فقط گفتن «علی‌جان» نیست؛ بلکه یک دوستی عُمقی است. بهترین راه شناسایی اش، سر دو راهی هاست که اگر امر بین امام علی(ع) و هر چیز دیگر دایر شود، امام علی(ع) را انتخاب کند. دروغ می‌گوید کسی که می‌گوید: امام علی(ع) را دوست دارم و در عین حال، معصیت می‌کند.

دیدگاه

حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی مطرح کرد

۳۰ آیه قرآن در شأن و منطبق با حضرت حمزه است

به گزارش ایکنا، حجت‌الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی، عضو هیئت علمی جامعة‌المصطفی العالمیه، پنجشنبه ۱۴ بهمن ماه در همایش بین‌المللی حضرت حمزه(ع) با بیان اینکه ۳۰ آیه قرآن اعم از شأن نزول و انطباق، در مورد حضرت حمزه(ع) احصا شده، اظهار کرد: سخنان پیامبر گرامی اسلام(ص) از دیگر منابع احصای سیره و شخصیت حضرت حمزه(ع) است.

وی افزود: امام صادق(ع) می‌فرمایند «زمانی که پیامبر(ص) به مدینه هجرت کردند و لحظه خروج ایشان به سوی جنگ بدر فرارسید، مردم را به بیعت فراخواندند و همه مردم با کمال میل اطاعت کردند. سپس رسول خدا(ص)، حضرت علی(ع)، حضرت حمزه(ع) و حضرت فاطمه(س) را صدا زدند و فرمودند با من از روی رضایت‌مندی بیعت کنید. حضرت حمزه(ع) گفت: پدر و مادرم به فدایت. درباره چه چیزی با تو بیعت بندیم؟ آیا ما پیش از این با تو بیعت نسته‌ایم؟ پیامبر(ص) فرمودند: ای شیر خدا و شیر رسول خدا، به خاطر خدا و رسول او، از روی وفا و درستی با پسر برادرت بیعت ببند که در این صورت ایمانت را کامل می‌کنی. ایشان با روی باز پذیرفت و دستش را برای بیعت گشود».

رئیس کنگره بین‌المللی حضرت حمزه(ع)، سخنان اهل‌بیت(ع) را سومین منبع کشف ویژگی‌های شخصیتی و جایگاه والای حضرت حمزه(ع) دانست و گفت: عبارت «آکلة الاکباد» تنها در مورد ماجرای شهادت حضرت حمزه(ع) در روایات ذکر شده است. حجت‌الاسلام والمسلمین رفیعی با اشاره به اینکه امام سجاد(ع) برای ذکر روضه کربلا، از روضه حضرت حمزه(ع) و جعفر آغاز کردند، بیان کرد: روایاتی که از اهل‌بیت(ع) درباره احتجاجات ذکر شده، از مهم‌ترین منابع شناساندن حضرت حمزه(ع) است. همچنین سخنان شاعران و نویسندگان و متن نامه‌ها از دیگر بسترها و منابع معرفی حضرت حمزه(ع) هستند. برآیینم شب شعری درباره شخصیت حضرت حمزه(ع) برگزار کنیم.

عضو هیئت علمی جامعة‌المصطفی العالمیه با تأکید بر اینکه از بیوت و هیئت‌ها تقاضا دارم سالروز شهادت حضرت حمزه(ع) در ۱۵ شوال را گرامی بدارند، ادامه داد: امیدواریم این همایش چرقه‌ای شود تا صدها وسیما و هیئت‌های مذهبی، نام حضرت حمزه(ع) را بیش از پیش گرامی بدارند.

حجت‌الاسلام دکتر علیرضا پیروزمندیان کرد

تأملی در خاستگاه قرآنی انقلاب اسلامی

با وجود گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از خلأهای موجود در عرصه شناختی این رویداد الهی، فهم مبانی قرآنی آن است. حجت‌الاسلام دکتر علیرضا پیروزمند، عضوهیئت علمی دانشگاه دفاع ملی در بخشی از نشست مجازی خرگزاری تسنیم با عنوان «مبانی قرآنی انقلاب اسلامی» به ارائه مطالبی در این خصوص پرداخته که می‌خوانید.

با در نظر گرفتن اینکه انقلاب اسلامی دارای مبانی دینی و داستانگاهی قرآنی است، عوامل پیروزی این رویداد الهی نیز در همین راستا قرار دارد؛ یکی از این گزاره‌ها، مسئله نصرت الهی است که سنت قطعی خداوند شمرده می‌شود و آیات ۱۳ و ۱۶ آل‌عمران به همین موضوع اشاره دارد.

مسئله دیگر اعتصام به حبل الهی است؛ در آیه ۱۰۱ آل‌عمران می‌خوانیم: «و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم». این اعتصام به حبل الهی، مبدأ هدایت مردم و ثبات قدم در مسیر الهی شد.

آیه بعدی اینکه خداوند متعال رعب مؤمنان را در قلوب جبهه معارض انداخت و توان آنان را چند برابر نشان داد. بنا بر این آیه شریفه «سنلقی فی قلوب الذین کفروا الرعب بما اشرکوا بالله» ما یکی از صحنه‌هایی که تجربه کردیم و به عیان دیدیم، مسئله رعب در دل دشمنان بود؛ چه زمان پیروزی انقلاب، چه زمان جنگ و چه تا به امروز.

عامل دیگر پیروزی، توکل بر خداوند متعال است «من یتوکل علی الله فهو حسبه».

به طور کلی باید سه نکته را در نظر داشته باشیم: نخست اینکه نباید به دنبال این باشیم انقلاب اسلامی را با خصوصیات مصداق‌اش در قرآن بیابیم. دوم بنا بر تفسیر روایی که منسوب به پیامبر است و ذیل آیه ۵۴ مائده بیان شده، اگر خوشبین باشیم که آن قوم، ما هستیم و اگر این روایت قابل استناد باشد، آن وقت می‌توانیم از این آیه، نوید این را داشته باشیم که مشمول این آیه شریفه باشیم. سوم اینکه مهم‌تر و اصولی‌تر این است ما به جای تطبیق مصداقی انقلاب با آیات شریفه قرآن، ملاک‌ها را بشناسیم و انقلاب اسلامی را تحلیل و تبیین قرآنی کنیم.

دکتر حمیدرضا مطهری از تلاش‌های امام دهم در گسترش سازمان تشیع می‌گوید

ای مسیحای سامرا، هادی علیه‌السلام

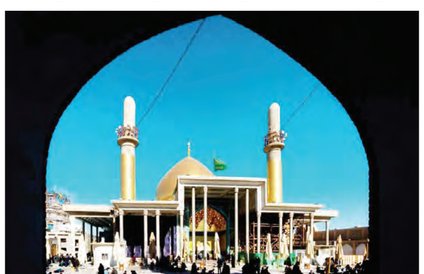

گویا

بسیاری از روایان امام هادی(ع) از پیش از دوران حضر امام یا ایشان در ارتباط بودند و پس از آن هم در مناطق مختلف به عنوان نماینده امام حضر داشتند و از یک سو پرسش‌ها و احتیاجات مردم را به امام منعکس می‌کردند و از سوی دیگر پاسخ‌های امام را به اطلاع شیعیان می‌رساندند. حتی برخی از این افراد برای اینکه شناخته نشوند با لباس مبدل تاجر، دستفروش و... خدمت امام می‌رسیدند و سؤالات خود را مطرح می‌کردند. حضرت عبدالعظیم حسنی یکی از معروف‌ترین اشخاصی است که نماینده امام هادی(ع) در منطقه ری و جبال بود.

یکی دیگر از روش‌های امام هادی(ع) برای انتقال ارزش‌ها و مفاهیم دینی به جامعه، دعا و زیارت بود. آن حضرت(ع) زیارتی دارند به نام جامعه، آن هم در دوره‌ای که حکومت، آشکارا دشمنی خود را با امیرالمؤمنین(ع) اعلام می‌کند. امام در زیارت غدیریه، تاریخ زندگانی حضرت علی(ع) و جنگ‌ها و جانفشانی‌های آن حضرت را در رکاب پیامبر(ص) به تصویر می‌کشد. یکی دیگر از زیارات ارزشمندی که از امام هادی(ع) به ما رسیده جامعه کبیره است. آن یکی از راهکارهایی که از دوره موسی بن جعفر(ع) در بحث ارتباط امامان با مردم آغاز شد، تأسیس سازمان وکالت بود. در دوران امام کاظم(ع) از یک سو تشیع گسترش بسیاری یافت و شیعیان در مناطق مختلف حضور داشتند و به طور طبیعی همه این مناطق امکان ارتباط مستقیم با امام را نداشتند و از سوی دیگر امام کاظم(ع) مدتی در حصر بودند و نمی‌توانستند با پیروانشان در ارتباط باشند؛ پس لازمه‌اش این بود برای هر منطقه وکیلی باشد که بین امام و مردم واسطه شود. سازمان وکالت در دوران امام جواد(ع) و سپس امام هادی(ع) تقویت شد و به عنوان یک ارتباطی بین جامعه شیعه و امام عمل می‌کرد. بسیاری از روایان امام هادی(ع) از پیش از دوران حصر امام، یا ایشان در ارتباط بودند و پس از آن هم در مناطق مختلف، به عنوان نماینده امام حضور داشتند و از یک سو پرسش‌ها و احتیاجات مردم را به امام منعکس می‌کردند و از سوی دیگر پاسخ‌های امام را به اطلاع شیعیان می‌رساندند. حتی برخی از این افراد برای اینکه شناخته نشوند با لباس مبدل تاجر، دستفروش و... خدمت امام می‌رسیدند و سؤالات خود را مطرح می‌کردند. حضرت عبدالعظیم حسنی یکی از معروف‌ترین اشخاصی است که نماینده امام هادی(ع) در منطقه ری و جبال بود.

یکی دیگر از روش‌های امام هادی(ع) برای انتقال ارزش‌ها و مفاهیم دینی به جامعه، دعا و زیارت بود. آن حضرت(ع) زیارتی دارند به نام جامعه، آن هم در دوره‌ای که حکومت، آشکارا دشمنی خود را با امیرالمؤمنین(ع) اعلام می‌کند. امام در زیارت غدیریه، تاریخ زندگانی حضرت علی(ع) و جنگ‌ها و جانفشانی‌های آن حضرت را در رکاب پیامبر(ص) به تصویر می‌کشد. یکی دیگر از زیارات ارزشمندی که از امام هادی(ع) به ما رسیده جامعه کبیره است. آن حضرت بقیه را نیز به دعا و زیارت تشویق می‌کردند؛ ایشان در مقطعی دچار بیماری شدند و به یکی از نزدیکان خود به نام ابوهاشم جعفری دستور دادند در کنار مرقد امام حسین(ع) برای شفای آن حضرت دعا کند. امام در پاسخ ابوهاشم که شاید این سؤال در ذهن او ایجاد شده بود که شما خودتان امام هستید و ائمه همگی نور واحد هستند، دوباره تأکید کردند: کنار قبر امام حسین(ع) دعا کنید زیرا آنجا دعا مستجاب می‌شود. این یک دستورالعمل برای آیندگان است که اهتمام ویژه به زیارت امام حسین(ع) داشته باشند. در واقع نام و زیارت امام حسین(ع) رمزی است که ائمه(ع) همواره برای حفظ و زنده‌نگه داشتن آن تلاش کرده‌اند.

■ **امام هادی(ع) همچون پدر بزرگوارشان، امام جواد(ع) به ابن‌الرضا ملقب بودند. دلیل این نام‌گذاری چه بود؟**

از آنجایی که امام هشتم(ع) ملقب به رضا بودند، ائمه پس از ایشان علاوه بر القاب مختلفی که داشتند، ابن‌الرضا نیز نامیده می‌شدند؛ یعنی امام جواد(ع) که فرزند بلاواسطه امام هشتم(ع) بودند و بعدها امام هادی(ع) و امام عسکری(ع) نیز به این لقب معروف شدند. در این مسئله علاوه بر جریان فرهنگی شیعه، شاید بتوان گفت جریان‌های سیاسی هم تأثیرگذار بود. به هر حال امام رضا(ع) در عصر مأمون به عنوان ولیعهد انتخاب شد و شاید این جریان نیز در اینکه امامان پس از حضرت رضا(ع) به ابن‌الرضا معروف شوند نقش داشته باشد. به هر حال عباسیان همواره به دنبال اهداف شوم خود بودند و وقتی امام رضا(ع) در مقابل امام هادی(ع) ناتوان یافتند و به اهدافشان نرسیدند، آن حضرت را نیز همچون پدران بزرگوارشان به شهادت رساندند.

■ **بنابر کتاب‌های تاریخی، تعداد راویان احادیث امام علی‌النقی(ع) به ۱۸۰ نفر می‌رسید و در این دوران، تشیع گسترش بسیاری یافت. با توجه به سخت‌گیری‌های عباسیان، آن حضرت چطور با شیعیانشان در ارتباط بودند و به ترویج معارف ناب اسلامی می‌پرداختند؟**

زهرا دلپذیر | دوران امامت پیشوای دهم شیعیان، امام علی‌النقی(ع) بسیار سخت و حساس بود. خلفای ستمگر عباسی برای تضعیف جایگاه اجتماعی امام و جلوگیری از گسترش آیین تشیع، آن حضرت را به منطقه نظامی سامرا منتقل کرده و از هیچ اقدامی برای آزار امام و پیروان ایشان خودداری نمی‌کردند. امام هادی(ع) در این شرایط دشوار، با روش‌های مختلف پیام خود را به شیعیان می‌رساندند و به ترویج ارزش‌ها و مفاهیم ناب اسلامی می‌پرداختند. به مناسبت سالروز شهادت امام علی‌النقی(ع) در این زمینه با حجت‌الاسلام دکتر حمیدرضا مطهری، رئیس انجمن تاریخ‌پژوهان حوزه علمیه قم و مدیر پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

■ **ضمن مروری کوتاه بر دوران زعامت امام هادی(ع) به این پرسش نیز پاسخ دهید که چرا خلفای عباسی آن حضرت را به سامرا منتقل نموده و زیر نظر داشتند؟**

دوران امامت امام علی‌النقی(ع) یکی از دشوارترین دوره‌ها از ابتدا تا انتهای عصر حضور ائمه(ع) برای خاندان پیامبر(ص) و شیعیان بوده است. یعنی هم بر اهل بیت(ع) فشار و سخت‌گیری فراوان بود و هم بر شیعیان آنان. آن حضرت در سن کودکی و بنا به روایتی، در ۴ سالگی به امامت رسیدند. البته با توجه به اینکه پدر بزرگوارشان هم در سن کودکی به امامت رسیده بودند امامت ایشان مورد اختلاف قرار نگرفت. یعنی پیش از آن برخی از شیعیان در دوران امامت امام جواد(ع) دچار بحران شدند زیرا یکباره با امامی مواجه شدند که در کودکی به امامت رسیده بود که البته آن بحران در دوران امام نهم(ع) حل شد. برخی از بزرگان مثل شیخ مفید تصریح کرده‌اند هیچ اختلافی درباره امامت امام هادی(ع) صورت نگرفت و شیعیان بر امامت ایشان متفق بودند. همزمان با آغاز امامت امام دهم(ع) معتصم عباسی بر مسند خلافت بود که به‌شدت نسبت به شیعیان سخت‌گیری می‌کرد؛ همان کسی که امام جواد(ع) به دستور او به شهادت رسید. معتصم گمان می‌کرد چون امام هادی(ع) کودک است می‌تواند او را چنان‌که خود می‌خواهد تربیت کند؛ بنابراین معلمی را برای آن حضرت انتخاب کرد که در دشمنی با اهل بیت(ع) زبانزد بود. ولی آن معلم به حدی تحت تأثیر رفتار و علم امام قرار گرفت که به یکی از دوستداران آن حضرت تبدیل شد. پس از معتصم، واثق و سپس متوکل به حکومت عباسیان رسیدند. متوکل از همان آغاز خلافت، فشار زیادی به شیعیان وارد کرد و برای اینکه از جایگاه اجتماعی امام بکاهد ایشان را به نوعی بازداشت‌گونه، از مدینه به سامرا منتقل نمود. سامرا شهری نظامی بود که به دستور معتصم و برای اسکان نیروهای نظامی ساخته شد و از این رو به آن معسکر می‌گفتند، یعنی پادگان نظامی. بنابراین وقتی امام هادی(ع) و بعدها فرزند بزرگوارشان امام حسن عسکری(ع) به این مکان منتقل شدند، این دو امام بزرگوار به عسکریین معروف شدند. در این دوره سخت‌گیری متوکل به شیعیان به حدی بود که حتی دسترس منع زیارت حرم حضرت سید الشهدا(ع) و بالاتر از آن، دستور تخریب بارگاه آن حضرت را صادر و افرادی را مأمور کرد مانع رفتن شیعیان به زیارت حضرت ابا‌عبدالله الحسین(ع) شوند.

دین پژوهی

حجت‌الاسلام دکتر علیرضا پیروزمندیان کرد

تأملی در خاستگاه قرآنی انقلاب اسلامی

همانا رسیدن به خداوند متعال و مقامات عالیه یک نوع سفری است که حاصل نفس‌شمو مگر با شب زنده‌داری و تلاش در عبادت و جلب رضایت او در امور مختلف.

کسی که در معاشرت با برادران دینی خود، تواضع کند، به‌راستی چنین کسی نزد خدا از صدیقین و از شیعیان علی بن ابی‌طالب خواهد بود.

آگهی تجدید خود اختصاص

تجدید خود شنبشاک یک پلاک ۳۶۹۵ فرعی از ۶۱۶۴- اصلی ملکی آقای قدس دامنی به نشانی ده قطعه یک‌ارثبرنر از بخش ۵ بلوچستان مورد تقاضای شماره در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۷ رأس ساعت ۸ صبح شروع بعمل خواهد آمد لذا در حساب ماده ۱۲ قانون ثبت به مالکین و صاحبان اعمال ملکی فوق الذکر اعلام می‌گردد تاریخ بعمل خواهد رسید، وچنانچه هرکس از صاحبان اعلام یا نماینده قانونی آنها در موعد تجدید خود در محل حاضر نباشند تجدید خود اعلام قبول و طبق ماده ۱۲ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد آمد و اعتراض ایفاء در اداره ثبت طرف مدت یکماه ذخاوخاست اعتراض خود را به مرجع دیخواه قضایی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به اداره ثبت تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت با نمایندگان قانونی می‌بتواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض مبادرت نمایند. رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر – ارشیر محمودی

آگهی تجدید خود اختصاص

تجدید خود شنبشاک یک پلاک ۳۶۹۶ فرعی از ۶۱۶۴- اصلی ملکی خانم طاری کوهی، واقع در بخش ۵ بلوچستان مورد تقاضای شماره در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۷ رأس ساعت ۸ صبح شروع و بعمل خواهد آمد لذا در حساب ماده ۱۲ قانون ثبت به مالکین و صاحبان اعمال ملکی فوق الذکر اعلام می‌گردد تاریخ بعمل خواهد رسید، وچنانچه هرکس از صاحبان اعلام یا نماینده قانونی آنها در موعد تجدید خود در محل حاضر نباشند تجدید خود اعلام قبول و طبق ماده ۱۲ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد آمد و اعتراض ایفاء در اداره ثبت طرف مدت یکماه ذخاوخاست اعتراض خود را به مرجع دیخواه قضایی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به اداره ثبت تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت با نمایندگان قانونی می‌بتواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض مبادرت نمایند. رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر – ارشیر محمودی

آگهی تجدید خود اختصاص

تجدید خود شنبشاک یک پلاک ۳۶۹۷ فرعی از ۶۱۶۴- اصلی ملکی آقای خداداد کوهی، واقع در بخش ۵ بلوچستان مورد تقاضای شماره در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۷ رأس ساعت ۸ صبح شروع و بعمل خواهد آمد لذا در حساب ماده ۱۲ قانون ثبت به مالکین و صاحبان اعمال ملکی فوق الذکر اعلام می‌گردد تاریخ بعمل خواهد رسید، وچنانچه هرکس از صاحبان اعلام یا نماینده قانونی آنها در موعد تجدید خود در محل حاضر نباشند تجدید خود اعلام قبول و طبق ماده ۱۲ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد آمد و اعتراض ایفاء در اداره ثبت طرف مدت یکماه ذخاوخاست اعتراض خود را به مرجع دیخواه قضایی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به اداره ثبت تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت با نمایندگان قانونی می‌بتواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض مبادرت نمایند. رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر – ارشیر محمودی

آگهی تجدید خود اختصاص

تجدید خود شنبشاک یک پلاک ۳۶۹۸ فرعی از ۶۱۶۴- اصلی ملکی خانم مریم دامنی واقع در بخش ۵ بلوچستان مورد تقاضای شماره در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۷ رأس ساعت ۸ صبح شروع و بعمل خواهد آمد لذا در حساب ماده ۱۲ قانون ثبت به مالکین و صاحبان اعمال ملکی فوق الذکر اعلام می‌گردد تاریخ بعمل خواهد رسید، وچنانچه هرکس از صاحبان اعلام یا نماینده قانونی آنها در موعد تجدید خود در محل حاضر نباشند تجدید خود اعلام قبول و طبق ماده ۱۲ قانون ثبت با حضور و معرفی مجاورین بعمل خواهد آمد و اعتراض ایفاء در اداره ثبت طرف مدت یکماه ذخاوخاست اعتراض خود را به مرجع دیخواه قضایی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به اداره ثبت تسلیم نمایند در غیر اینصورت متقاضی ثبت با نمایندگان قانونی می‌بتواند به دادگاه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت بدون توضیح به اعتراض مبادرت نمایند. رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ایرانشهر – ارشیر محمودی

آگهی تجدید خود اختصاص

تجدید خود شنبشاک یک پلاک ۳۶۹۹ فرعی از ۶۱۶۴- اصلی ملکی آقای فرزند غلامحسین شنشاک دو قطعه یک‌ارثبرنر از بخش ۵ بلوچستان مورد تقاضای شماره در تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۰۹ ساعت ۸ الی ۱۲:۳۰ قبل از ظهر در محل بعمل خواهد آمد.در اجرای قانون تجدید تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

بارای شماره ۱۴۰۰۱۰۰۱۰۰۳۰۰۰۰۰۱۰۰۰۱۰۰۱۰۰۱

هر کس حریم خدا را حفظ کند، حرمتش حفظ می شود و هر کس خدا را اطاعت کند،اطاعت می شود.

من اتقی الله یتقی و من اطاع الله یطاع

غبارروبی گلزار شهدا در بهشت ثامن‌الائمه (ع)

خبر امروز

در آستانه چهل و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی جمعی از خادمان و خادمیاران حرم مطهر رضوی در مراسم «میهمانی لاله‌ها» مزار شهدای مدفون در بارگاه مطهر رضوی را غبارروبی کردند.

در این مراسم جمعی از خادمان و دربانان ضمن مدیحه‌سرایی و ذکر مقام شهیدان مزار شهیدان مدفون در بهشت ثامن‌الائمه(ع) صحن آزادی را با گل و گلاب آراستند.

حسین محمدی اصفهانی یکی از دربانان کشیک چهارم گفت: امروز برایم یاد و خاطره دو تن از دوستان و همرزمانم که به فیض شهادت نائل آمدند و در این مکان مدفون هستند، زنده شد. اولی شهید اصغری که تنها فرزند خانواده و همکار من بود و در سن ۲۳ سالگی به درجه رفیع شهادت رسید و دیگری شهید محمد حقیقی‌منش که از کارمندان وزارت نیرو و هم‌محلی ما بود و پس از چندین بار جبهه رفتن، سرانجام در سال ۶۵ به فیض شهادت نائل آمد.

امیرطاهر مجیدی یکی دیگر از خادمان انتظامات نیز گفت: هر آنچه ما امروز داریم، مدیون زحمات شهدا و امنیت و آرامش امروزمان، ثمره خون شهداست.

کتابخانه

قصه‌های امام خمینی و بچه‌ها

همزمان با آغاز دهه فجر انقلاب اسلامی، مجموعه چهار جلدی «قصه‌های امام خمینی و بچه‌ها» از سوی به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) برای کودکان و نوجوانان پیشنهاد می‌شود.

مجموعه قصه‌های امام خمینی و بچه‌ها روایتگر سیره اخلاقی و عملی امام(ره) است که به قلم مجید ملامحمدی؛ نویسنده و شاعر فعال حوزه کودک و نوجوان با بهره‌گیری از منابعی همچون پا به پای آفتاب، در سایه آفتاب، برداشت‌هایی از سیره امام و پرتوی از خورشید نگارش شده است.

«صورتت مثل گل است»، «من امام می‌شوم»، «از مدرسه سرخپوست‌ها» و... از عناوین این مجموعه چهار جلدی است که برای گروه سنی «ب» و «ج» منتشر شده است.

خاطرات شنیدنی مهدی خسروی؛ خادم‌الرضا (ع) و از مبارزان انقلابی شهر مشهد

مبارزان نستوه مشهدالرضا (ع)

سارا صالحی

بزرگ‌مردانی مانند مهدی خسروی از همان روزهای پا گرفتن تحرکات انقلابی در سال ۴۲، هم‌قدم روحانیون مبارز پیشگام مشهد همچون آیت‌الله خامنه‌ای، مرحوم آیت‌الله واعظ طبسی و حجت‌الاسلام شهید هاشمی‌نژاد بودند. او فارغ از سال‌ها مبارزه خستگی‌ناپذیر مقابل رژیم ستمشاهی، پس از پیروزی انقلاب هم خدمات چشم‌گیری با نقش‌آفرینی سیاسی در استقرار و قوام نظام اسلامی در مشهد و اثرگذاری فرهنگی در قالب تشکیل «جامعه هیئت‌های مذهبی شهرستان مشهد» به همراه چند تن از فعالان این حوزه داشت.

خسروی با وجود زخم‌های دوران جنگ تحمیلی و جراحت‌های دوران انقلاب، هنوز از پا ننشسته و تا امروز در قامت خادم کشیک ششم حرم مطهر رضوی در خدمت زائران علی بن موسی الرضا(ع) ایستاده است.

در ادامه گفت‌وگوی ما با او را بخوانید.

■ **آشنایی شما با اصول اسلامی و سپس همراه شدنتان با جریان انقلاب از کجا آغاز شد؟**

از کلاس سوم با کمک و راهنمایی‌های حجت‌الاسلام افتخاری از معلمان پایه سوم، مبانی اعتقادی و مذهبی‌ام تقویت شد. تا ۱۵-۱۴ سالگی که با معرفی ایشان برای استفاده از منابر درس استادانی نظیر شیخ مجتبی قزوینی و شهید سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد به مدرسه علمیه نواب رفتم. پس از مدتی، شهید هاشمی‌نژاد در گفت‌وگویی، صحبت‌هایی درباره فلسفه و دلیل تحصیل در حوزه و هدف مبارزه با من داشتند که بیشتر از قبل مجذوب شخصیت و اندیشه‌های ایشان شدم. از آن به بعد، در انتشار اعلامیه‌های انقلابی که صادر می‌کردند، از من هم استفاده می‌کردند.

■ **ماجرای دستگیری شما به چه تاریخی برمی‌گردد؟**

ماجرا به مهرماه سال ۴۲ و سخنرانی پرشور حجت‌الاسلام شهید هاشمی‌نژاد علیه نظام ستمشاهی بازمی‌گردد. آن شب همراه این شهید بزرگوار و جمع بسیاری از حاضران در مجلس توسط نیروهای ساواک دستگیر شدیم. ما را یک ماه در بدترین شرایط از نظر خواب و خوراک، در معرض سرما و گرما، بدون هیچ نوع احترامی نگه داشتند تا اینکه با فشار و نامه‌نگاری جمعی از علما، محکومیت اعدام شهید هاشمی‌نژاد به ۶ ماه حبس کاهش پیدا کرد و شرایط دشوار بقیه دستگیرشدگان هم تغییر کرد.

به خاطر تداوم فعالیت مبارزاتی و انتشار اعلامیه، بار دیگر دستگیر و برای بازجویی به اداره اطلاعات «رکن دو ستاد ارتش» منتقل شدم. برای ترساندن من گفتند حکم اعدام برایم بریده‌اند که من باور نکردم چون به خاطر کم بودن سنم نمی‌توانستند من را دادگاهی کنند و مدرک و پرونده‌ای از من دستشان نبود... سرانجام پس از چندین ساعت شکنجه، من را به سلول آیت‌الله طبسی در زندان وکیل‌آباد منتقل کردند. ایشان با دیدن اوضاع من و ماوقع ماجرا خیلی ناراحت شد و فریاد زد: رئیس زندان را صدا بزنید، من حقوق بشر را به این زندان می‌کشانم که ببینند چطور یک بچه را شکنجه و زندانی کردید؟! که بلافاصله رئیس زندان آمد و با حسابی که از شخصیت مرحوم طبسی(ره) می‌بردند، قول داد همان شب من را آزاد کنند. آخر شب، بست بالاخیابان رهایم کردند در حالی که دست و پاهایم از فرط شکنجه متورم بود.

گزیده

... یک باره از پشت سر به ما فرمان ایست دادند. از یک کوچه قصد فرار داشتم که هدف گلوله قرار گرفتم... گلوله به کبدم اصابت کرد... هر طور بود فرار کردم...

■ **دفعه سوم به چه دلیل تحت تعقیب نیروهای امنیتی رژیم پهلوی قرار گرفتید؟**

یک روز از محل چاپ و تکثیر اعلامیه‌ها در خیابان عنصری دسته‌ای اعلامیه برداشتم تا پخش کنم که در مسیر خیابان امام رضا(ع) متوجه تعقیب یک پیکان سفیدرنگ شدم. به محض صدا زدنم، بسته را جلو مغازه پارچه‌فروشی انداختم و طوری با صاحب دکان مشغول صحبت شدم انگار از ماهیت این بسته خبر ندارم و آن را پیدا کردم.

اما نیروهای ساواک من را همراه بسته گرفتند و پس از کلی ضرب و شتم دسته‌جمعی داخل همان خودرو، به ساختمان ساواک در خیابان فلسطین منتقل کردند و تحت بازجویی و شکنجه قرار دادند تا اعتراف کنم. روز بعد وقتی دیدند اطلاعاتی از من درنمی‌آید برای انداختن رعب به دلم، من را از جلو اتاق‌های شکنجه عبور دادند؛ از اتاق شلاق زدن تا برق دادن... در اتاق کشیدن ناخن‌ها شکنجه کردنم را شروع کردند که از حال رفتم. پس از به هوش آمدن، یکی از همسایه‌های ما که پلیس راهنمایی و رانندگی بود و من را آنجا دید، وساطت کرد و پس از یک هفته حبس در زندان مرکزی وکیل‌آباد همراه زندانیان سیاسی دیگری همچون مرحوم عسکراولادی، آزاد شدم.

■ **ماجرای مجروحیتتان در دوران انقلاب چیست؟**

قرار بود همراه شهید محمد فرومندی چند جلد کتاب حضرت امام(ره) از جمله «ولایت فقیه، حکومت اسلامی» را برای شهید اندرزگو ببریم. کتاب‌ها را جاسازی کردیم و شبانه به سمت چهارراه خسروی راه افتادیم که به یک باره از پشت سر به ما فرمان ایست دادند. از یک کوچه قصد فرار داشتم که هدف گلوله قرار گرفتم... گلوله به کبدم اصابت کرد... هر طور بود فرار کردم... چند روز با همان وضعیت وخیم با گلوله در بدنم تحمل کردم و به خانواده هیچی نگفتم چون رفتن به بیمارستان به معنی دستگیری بود. پس از گذشت چند روز و وخامت شرایط جسمانی‌ام، با توکل به خدا به بیمارستان امدادی رفتم و بحمدالله دکتر شیفت یکی از وابستگان مرحوم آیت‌الله طبسی از آب درآمد و پس از جراحی و تحمل ۵۰ روز دوران نقاهت، بهبود نسبی پیدا کردم.

■ **به نظر خودتان چطور می‌شود یک نوجوان ۱۵ ساله این قدر از خودش استقامت و استواری نشان دهد؟**

من سال‌ها همجوار و همنشین بزرگان و شخصیت‌هایی همچون شهید هاشمی‌نژاد، آیت‌الله واعظ و رهبر معظم انقلاب بودم. از گفته‌ها و خلقیات شهید هاشمی‌نژاد به خصوص شهامتش درس گرفتم. از معرفت، شجاعت و مبارزات استادانی چون مرحوم طبسی آموختم. همه این رفتارها و گفتارها تا همین امروز برای خودم و فرزندانم الگوی عمل بوده است. معتقدم با معرفی اخلاص، ایثار و شجاعت این بزرگان به جوانان و آحاد جامعه زمینه الگو گرفتن از آن‌ها و زنده نگه داشتن ارزش‌های انقلاب و حفظ نظام اسلامی فراهم می‌شود.

پذیرش اشتراک روزنامه قدس

۳۷۶۵۵۷۷۴

دریافت اشتراک با یک تماس به شماره فوق

آگهی مفقودی ۱۴۱۱۱۱۴۸

برگ سبز خودروپراید مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید – روغنی به شماره پلاک ۴۷۴ س ۳۹ ایران – ۳۶ به شماره موتور ۳۵۶۶۷۸۶ وشماره شاسی S1412289516555 به نام اینجانب پریسا طوسی مفقود واز درجه اعتبارساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۱۱۱۱۴۹

برگ سبز سواری پراید جی.تی.ایکس مدل۱۳۷۹ شماره موتور ۰۰۱۶۹۳۰۸ شماره شاسی S1412279646021 به نام حجت اله وثوق مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۱۱۱۱۴۸

برگ سبز سواری پراید جی.تی.ایکس.آی مدل ۱۳۸۶ شماره پلاک ایران ۴۲-۶۵۳ن۸۹ شماره موتور ۲۱۵۲۰۵۸ شماره شاسی S1412286624875 به نام زهره رازقندی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

آگهی مفقودی ۱۴۱۱۱۱۴۷

برگ سبز و سندکمپانی و کارت وانت پیکان ۱۶۰۰OHV مدل ۱۳۸۷ شماره پلاک ایران ۳۶-۳۱۸م۲۶ شماره موتور ۱۱۴۸۷۰۵۲۰۰۵ شماره شاسی NAAA46AA69G049029 به نام علی اکبر پهلوان نسب مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۱۰۰۶۰۰۲۹۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردرواحد ثبتی حوزه ثبت ملک تفت تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خانم فاطمه جعفری پورمیبدی فرزند علی اکبربشماره شناسنامه ۶۶ صادره ازمیبد دریک باب خانه قدیمی به مساحت ۱۹۴ مترمربع بطورمفروز قسمتی از پلاک های ۱ فرعی از ۷۵۵ اصلی و۷۵۶ اصلی بخش ۷ یزد واقع درطرزجان خریداری عادی مع الواسطه ازمالک رسمی آقای سید مرتضی سالارکسنویه و فاطمه دهقان طرزجانی محرزگردیده است . لذا به منظوراطلاع عموم دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه ازتاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.آ۱۴۱۱۱۱۲

تاریخ انتشارنوبت اول : شنبه ۱۴۰۰/۱۱/ ۱۶ تاریخ انتشارنوبت دوم : یک شنبه ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

امیرحسین جعفری ندوشن -رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان تفت

آگهی دعوت به افراز

نظر به اینکه آقای شاهمراد فخری به موجب تقاضای نامه وارده شماره ۲۰۷۷۵۵۶۳۰۴ مورخ۱۴۰۰/۸/۲۵ و به موجب سند قطعی شماره۶۸۴۴۴ مورخ ۱۴۰۰/۷/۲۱دفتر ۱۹ اسدآباد از این اداره تقاضای افراز مقدارسهمی خود به میزان نه سهم از یازده سهم از نه سهم و چهاردهم سهم از هفتصد و هشتاد سهم بیست و هشت شعیر و نود و یک، یکصدوپنجاه و ششم شعیر مشاع از نود و شش شعیر ششدانگ (حسب اظهار متقاضی به مقدار هشت هزار و هشتصد متر مربع) قسمتی از پلاک ۶۶ اصلی واقع در اسداباد- ضلع شرقی بلوار کمربندی شهدا خریداری شده از وراث مرحوم نصرت اله گلمحمدی را نموده و با توجه به درخواست وارده شماره ۲۹۱۵۴۶۳۳۳مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۷رسیده از طرف نامبرده مبنی بر عدم دسترسی و اطلاع از آدرس مالکین مشاعی لذا بدینوسیله مستفاد از ماده ۱۸ آئین نامه اجرایی اسناد رسمی به کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و مالکین مشاعی دعوت می‌شود که در راس ساعت ۱۰ صبح سه شنبه مورخه۱۴۰۰/۱۲/۰۳ در محل وقوع ملک حاضر، تا از مورد درخواست متقاضی افراز توسط نماینده و نقشه بردار (با معرفی ملک توسط متقاضی افراز) بازدید به عمل آید ضمناً عدم حضور مجاورین و صاحبان حق مانع از از انجام عملیات افرازی نخواهد شد، و چنانچه نیاز به انتشار آگهی مجدد باشد در همین روزنامه چاپ خواهد شد.آ۱۴۱۱۱۱۱ م الف ۴۳۳

سیروس قلی زاده-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان اسدآباد

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای علیرضا مرشدلو دارای شناسنامه شماره ۵۷۴۰۰۴۹۹۰۳ به شرح دادخ.است به کلاسه ۴۳۲ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد جواد مرشدلو به شناسنامه ۶۱ در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۶در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :

۱.فاطمه مرشدلو فرزند محمد کد ملی ۵۷۴۹۱۹۱۶۱۳ ت.ت ۱۳۴۸/۱/۱ نسبت همسر مرحوم

۲.علیرضا مرشدلو فرزند محمد جواد کد ملی ۵۷۴۰۰۴۹۹۰۳ ت.ت ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ نسبت فرزند مرحوم

۳.زهرا مرشدلو فرزند محمد جواد کد ملی ۵۷۴۰۰۹۹۰۳۱ ت.ت ۱۳۷۶/۱۱/۲۲ نسبت فرزند مرحوم

۴.الهه مرشدلو فرزند محمد جواد کد ملی ۱۰۵۱۱۹۳۴۳۵ ت.ت ۱۳۸۳/۱۲/۲۲ نسبت فرزند مرحوم

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را باستناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد . آ۱۴۱۱۱۱۰

امیر سلیمانی قاضی شورا شعبه هفتم شورای حل اختلاف زبرخان

اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان جنوبی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند

هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۵۳۹۸ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۳۰ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهرا کمندی فرزند رضا بشماره شناسنامه ۱۶۵۱۶ در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۵/۸۲ مترمربع تمامی پلاک ۵- فرعی ۲۳۱- اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش نه بیرجند از محل مالکیت سید علی‌اکبر و زهرا خارکن محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم : دوشنبه ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

حسین براتی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بیرجند

اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان جنوبی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند

هیات موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۵۲۷۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۲ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حامد مصلحی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۰۶۴۰۱۱۵۶۱۶ در ششدانگ یکباب محوطه مشتمل بر اتاقک به مساحت ۱۲۴/۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶-اصلی واقع در خراسان جنوبی بخش یک حوزه ثبت ملک بیرجند از محل مالکیت نوروز دستیگردی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم : دوشنبه ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

حسین براتی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بیرجند

((آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبت تایباد))

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیان که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در بخش ۱۴ مشهد واحد ثبتی شهرستان تایباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آن محرز و رأی لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد: آقای یوسف نوروزی کوشککی به شناسنامه شماره ۱۵۰۲ کدملی ۰۷۴۹۷۷۰۶۸۶ صادره فرزند قربان در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۴۶ مترمربع پلاک شماره ۷۱ فرعی از ۲۵۶ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد از محل قسمتی از مالکیت مرحوم ابراهیم عفتی یوسف‌آبادی و قسمتی از پلاک** ۳۷۴- کلاسه ۱۴۰۰

لذا بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار منتشر تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارایه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ۱۴۱۱۱۰۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۲/۱

رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد- غلامرضا آقازاده

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۲۰، ۱۳۹۰.۹ املاک متقاضیانی که درهیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی آمل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد :

املاک متقاضیان واقع در بخش سه ثبت آمل - دهستان دشت سر

۱۱- اصلی (قریه کالشکلا)

۱۶۳ فرعی خانم منصوره ترنیان در ششدانگ یک قطعه زمین با ساختمان احداثی با کاربری مسکونی به مساحت ۱۱۶۶.۹۰ مترمربع خریداری شده بلاواسطه از وراث مرحوم جعفر جعفری بنامهای غلامرضا و محمدرضا و حمیدرضا و علیرضا و ربابه و مهین و صدیقه و خدیجه و معصومه و رقیه همگی جعفری و مصطفی و جاوید و جعفر جعفری بعنوان نوه ارث بر و خود متقاضی و مع الواسطه از صاحب سند جعفر جعفری.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ – آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاهای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از طریق الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست . بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده ، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود ، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود ، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. آ- ۱۴۱۰۴۸۶ م الف ۱۲۶۱۱۸۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰.۱۱.۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰.۱۱.۱۶

فیض اله ذبیحی

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آمل

((آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی))

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۹.۲۰و برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۰۰۱۳۰۲۰۳۳۱ مورخ ۱۴۰۰.۱۰.۲۱ هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای/خانم الهام صرامی فرزند رجبعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۴۲.۵۸ مترمربع که مقدار ۱۳۵ سیر مشاع عرصه وقف می باشد به شماره پلاک ۱۹ فرعی از ۱۳ اصلی واقع در قریه تنه رز بخش یک خریداری شده از آقای / خانم سیدرضا حسینی مالک رسمی محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ- ۱۴۱۰۴۸۸م الف ۱۲۶۳۴۹۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰.۱۱.۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰.۱۱.۱۶

عین اله تیموری رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و مشاعی

هیأت حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو قم تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده‌های تشکیلی طبق قانون مذکور را براساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آراء ذیل تایید نموده‌اند.

۱-رأی شماره ۱۳۹۸۶۰۳۳۰۰۰۲۰۰۶۷۰۳ مربوط به پرونده کلاسه ۱۳۹۷۱۱۴۴۳۰۰۰۲۰۰۰۶۱۲ آقای روح اله براتی فرزند فتحعلی در قسمتی از ششدانگ قطعه زمین که در آن احداث بنا شده بمساحت ۱۴۵ مترمربع پلاک شماره فرعی از ۱۹۶۷ اصلی واقع در بخش دو ثبت قم مبایعه نامه عادی/ سند رسمی/ سند مالکیت مشاعی مع الواسطه از مهدی شاکری خریداری کرده است.(م الف ۱۲۵۳۹)

مورد تایید قرار گرفته و از آنجائیکه مقرر گردیده است پس از نشر آگهی و انقضاء موعد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد منطقه دو قم تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یکماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم و گواهی آنرا به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند بر اساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. (گویه و قدس) آ ۱۴۱۰۴۲۳

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

عباس پور حسنی حجت آبادی ـ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو قم

((آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی))

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۹.۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۰۰۱۳۰۱۹۹۸۶ مورخ ۱۴۰۰.۱۰.۱۸هیات قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم سامان قماشچیان فرزند فریدون نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی/ به مساحت ۵۳۵.۴۴ مترمربع که مقدار ۴۸ سیر مشاع عرصه وقف می باشد به شماره پلاک ۱۶۰ فرعی از ۱۸ اصلی واقع در قریه مغانده بخش ۱۱ خریداری شده از آقای / خانم محمدرضا دشتی مالک رسمی محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل - تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ- ۱۴۱۰۴۸۸م الف ۱۲۶۳۴۹۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰.۱۱.۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰.۱۱.۱۶

عین اله تیموری رئیس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و مشاعی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده های تشکیلی طبق قانون مذکور را براساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آراء ذیل تایید نموده اند.

۱ -رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۹۱۱۲ مربوط به پرونده کلاسه ۱